



مجاز است.

استفاده از: --

DIRECTION: EACH OF THE STATEMENTS BELOW IS FOLLOWED BY FOUR SUGGESTED PERSIAN EQUIVALENTS. SELECT THE ONE THAT IS BEST IN EACH CASE AND THEN COMPLETELY FILL IN THE CORRESPONDING CIRCLE ON THE ANSWER SHEET.

1. It is, at any rate, in some such fashion as this that we seek to define the quality which distinguishes the work of several young writers, among whom Mr. James Joyce is the most notable, from that of their predecessors.

الف. که از زمره آنها آقای جیمز جویس برجسته تر است

ب. و از آنان جناب جیمز جویس شایسته تر می نماید

ج. که از میان آنها جیمز جویس والاتر است

د. و در میانشان مستر جیمز جویس بیش تر دیده شده است

2. But it is also true, that, while we thank them for a thousand gifts, we reserve our unconditional gratitude for Mr. Hardy.

ب. حق شناسی پیش شرط خود را

الف. تشکر مشروط خود را

د. مراتب سپاس بی چون و چرای مان را

ج. قدردانی عمدی بی شرط خود را

3. In making any survey, even the freest and loosest, of modern fiction, it is difficult not to take it for granted that the modern practice of the art is somehow an improvement upon the old.

د. موافقت کردن با

ج. اجابت کردن

ب. بدیهی پنداشتن

الف. اعطا کردن

4. The tyrant is obeyed; the novel is done to a turn.

الف. از فرمانروای ستمگر تمکین می شود و رمان تا لحظه پیش پیش می رود.

ب. ستمگر اطاعت می شود و رمان ها تغییر داده می شود.

ج. از مستبدان تمکین می کنند و امور کهنه به نو می گراید.

د. از ستمگران فرمان ببرند و کارهای نوین متحول شوند.



مجاز است.

استفاده از:

5. The writer seems constrained, not by his own free will but by some powerful and unscrupulous tyrant who has him in thrall,...

الف. نه به وسیله خواست رها / که او را برده گرفته است

ب. نه با خواست خودش / کسی که او را گرفته

ج. نه به میل و اراده خویش / که وی را اسیر خود کرده

د. نه با میل درونی او / کسی که او را در بند کشیده دارد

6. It needs scarcely be said that we make no claim to stand, even momentarily, upon that vantage-ground.

الف. به زور لازم است که

ب. لازم به گفتن نیست که

د. از آن به زور بتوان امتناع کرد که

ج. گفتنش نیازی به چیزی ندارد

7. "The proper stuff of fiction" does not exist.

ب. خمیره درست تخیل

الف. جوهر حقیقی داستان

د. ماده اصلی وهم

ج. جنس صحیح ادبیات

8. Every nation, every race, has not only its own creative, but its own critical turn of mind, ...

ب. بل که نقطه نظرات حساسی دارد

الف. بل که تغییرات ذهنی خود را دارد

د. بل که ذهنیت نکته سنج خود را دارد

ج. بل که نگرش نقد گرایانه دارد

9. I am alive to a used objection to what is clearly part of my program for the métier of poetry.

ب. نقشه ام برای حرفه نگارش

الف. برنامه ام برای مسیر شعر

د. نقشه ام برای روش های شعرنویسی

ج. برنامه ام برای پیشه شاعری



مجاز است.

استفاده از:

10. The effect of a work of art upon the person who enjoys it is an experience different in its kind from any experience not of art.

الف. تاثیرگذاری اثری هنری بر کسی که از آن لذت می برد تجربه ای متفاوت از آنچه در هنر اتفاق نمی افتد نیست.

ب. ماحصل آثار هنری بر فرد تجربه ای متفاوت از تجربیات هنری است.

ج. تاثیرگذاری اثری هنری بر کسی که از آن لذت می برد در نوع خود تجربه ای متفاوت از هر تجربه ای غیر هنری است.

د. ماحصل آثار هنری بر فرد یک تجربه متفاوت در مدل تجربیات غیر هنری است.

11. The secondary I consider as the echo of the former, coexisting with the conscious will.

الف. همراه به اراده آگاه دومین تخیل را من انعکاس شکل دهنده آن می شمارم.

ب. تخیل ثانویه را انعکاس تخیل اولیه می دانم که با ارده آگاه همراه است.

ج. تخیل دست دوم را من انعکاس دسته ی اول می دانم.

د. دومی انعکاس فرم و طرح اولی است که اراده دارد.

12. My earliest acquaintance will not have forgotten the undisciplined eagerness and impetuous zeal which I laboured to make proselytes.

الف. اشتیاق لجام گسیخته / تعصب نسنجیده ب. آرزوی درهم و برهم / غیرت تند

ج. میل زیاد / حمیت زیاد د. خواهش بسیار / حدت شدید

13. It was a double pleasure to me, and still remains a tender recollection, that I should have received from a friend so revered....

الف. شعفی مضاعف / چون خاطره ای محسوس / رفیقی گرم

ب. لذتی دوباره / خاطره ای دلنشین / دوستی آمیخته با احترام

ج. شعفی دوباره / تجدید خاطره ای حساس / رفیقی بسیار باحساس

د. لذتی دوچندان / خاطره ای لطیف / دوستی درخور تحسین



مجاز است.

استفاده از:

14. The most elementary remarks upon modern English fiction can hardly avoid some mention of the Russian influence.....

الف. ابتدایی ترین تفسیرها بر رمان نو انگلیسی به ندرت می تواند از ذکر تاثیر روسی رمان بپرهیزد.

ب. حتا ابتدایی ترین اظهار نظرها درباره داستان مدرن انگلیسی مشکل بتواند از ذکر تاثیر ادبیات روس چشم پوشی کند.

ج. حتا اولیه ترین تفاسیر بر رمان نو انگلیسی به ندرت بتواند از ذکر تاثیر روسی جلوگیری کند.

د. ابتدایی ترین نشانه های موجود بر رمان مدرن انگلیسی به سختی می تواند تاثیر رمان روسی را نادیده بگیرد.

15. There is a great deal, in the writing of poetry, which must be conscious and deliberate.

الف. در کار نوشتن شعر بسیار چیزهاست که بایستی سنجیده و آگاهانه باشد.

ب. شعرنویسی را بسیار چیزهاست که باید هوشیوار و با وجدان بود.

ج. در شعر نویسی مفاد بسیاریست که باید آگاهانه و مشخص باشد.

د. در شعر مواد بسیاریست که می بایستی سنجیده و خودجوش باشد.

16. At once a different outline of form becomes necessary, difficult for us to grasp, incomprehensible to our predecessors.

الف. ناگهان فرمی و طرحی پدید می آید که چنگ زدن در آن برای ما سخت و برای اجدادمان غیرممکن می نماید.

ب. به ناگاه قالبی دیگر لازم می آید که فهم آن برای ما دشوار و برای پیشینیانمان غیرقابل ادراک می شود.

ج. فی الفور شیمایی از یک فرم به وجود می آید که درک آن برای ما سخت و برای اسلاف ما ناکامل می شود.

د. تشکیل قالبی ناگهانی باعث می شود فهمیدن آن برای ما دشوار و برای پدرانمان ناقص

17. Their masterpieces certainly have a strange air of simplicity.

الف. آثار ادبی آنها قطعا حال و هوای ساده ای دارد.

ب. شاهکارهای آنها به طور قطع پر از سادگی عجیبی بود.

ج. بی تردید شاهکارهایشان از حس سادگی عجیبی برخوردار است.

د. حال و هوای عجیبی پر از سادگی در شاهکارهای آنان به چشم می خورد.



مجاز است.

استفاده از:

18. The voice of protest is the voice of ... an ancient civilization which seems to have bred in us the instinct to enjoy and fight rather than to suffer and understand.

الف. صدای پروتستان تمدنی باستانیست که به نظر حس جنگ و لذت را بیشتر از حس درد و درک در ما زنده می‌نماید.

ب. صدای تمدنی دیرین که به نظر می‌رسد تمایل به شغف و مبارزه‌گری را بیشتر از درک و فهم در ما پرورانده‌است.

ج. طنین صدای تمدنی باستانی که به نظر حس لذت‌بردن و جنگیدن را در ما بیشتر از رنجیدن و فهمیدن زنده‌نگه‌داشته‌است.

د. صدای اعتراض صدای تمدنی کهن است که به نظر می‌رسد غریزه کامجویی و مبارزه را در ما بیشتر از رنج‌کشی و ادراک بارور کرده‌است.

19. How soon genius clears and purifies itself from the faults and errors of its earliest products.

الف. قریحه چه زود خودش را از لغزش‌ها و خطاهای فرآورده‌های اولیه‌اش پاک می‌کند و می‌پالاید.

ب. استعداد چه زود خود را از خطاها و اشتباهات محصولات اولیه‌اش مُبراً می‌کند و می‌پالاید.

ج. نبوغ چه قدر زود خودش را از کمبودها و خطاهای محصولات اولیه‌اش دور و مُبراً می‌کند.

د. استعداد به زودی خودش را از خطاها و اشتباهات نتایج اولیه‌اش دور می‌کند و پالایش می‌کند.

20. In the Agamemnon, the artistic emotion approximates to the emotion of an actual spectator.

الف. ... حس هنری از حس بیننده پیش می‌افتد.

ب. ... حس هنری به حس یک ناظر واقعی نزدیک می‌شود.

ج. ... هیجان‌ات هنری از هیجان‌ات تماشاچی حقیقی پیشی می‌گیرند.

د. ... احساسات هنری و حس تماشاچی واقعی با هم تلفیق می‌شوند.

21. In contrast with those whom we have called materialists, Mr. Joyce is spiritual.

ب. ماده‌گرا / انسان روحانی

الف. مادیون / مذهبی

د. اهل ماده / اهل مذهب

ج. ماتریالیست / مفهوم‌گرا



مجاز است.

استفاده از:

22. You cannot value him alone; you must set him, for contrast and comparison, among the dead.

الف. او را نمی‌توان تنها ارزش داد؛ باید او را از مردگان حساب کرد. از طرق مقایسه و تضاد به این نتیجه می‌رسیم.

ب. او را نمی‌توان به تنهایی سنجید؛ برای تشبیه و مقایسه باید او را در زمرهٔ مردگان قرارداد.

ج. او را نمی‌توان تنها ارزیابی کرد؛ برای شناسایی مقایسه و تضاد باید او را در میان شاعران مرده قرار داده باشیم.

د. او را نمی‌توان تنها ارزش داد؛ از طرق تشبیه و مقایسه هم می‌توان فهمید که باید میان شاعران مرده قرار داد.

23. The poet's mind is in fact a receptacle for seizing and storing up numberless feelings, phrases, images,...

الف. ذره‌بینی برای احساسات زیاد

ب. مخزنی برای گرفتن و ذخیره‌سازی حس‌ها

ج. اندوخته‌ای برای ذخیره‌سازی بی‌شمار حس

د. مخزنی برای درک و حفظ احساسات بی‌شمار

24. The office of philosophical disquisition consists in just distinction.

الف. جستار علم‌دوستی / فرق‌گذاری عادل

ب. مقالهٔ علم‌آموز / تفاوت‌گذاری به‌حق

ج. رسالهٔ فلسفی / تمایز منطقی

د. گفتار فلاسفه / تمیز منصفانه

25. The work that ought to have been discharged by Government officials, and in the plethora of his ideas and facts scarcely having leisure to realize.

الف. و در کثرت اندیشه‌هایش

ب. اندر نقص ایده‌هایش

ج. و در ظاهر تفکراتش

د. اندر باشکوهی تخیلاتش